

چکیده

در قرن چهاردهم هجری اندیشمندانی به تفسیر بر مبنای ترتیب نزول قرآن روی آوردند. هدف اساسی اینان آگاهی بر مفاهیم قرآن بر اساس حکمتی است که در سیر تدریجی نزول آیات نهفته است؛ چرا که خدای تعالی بر اساس شرایط فرهنگی- اجتماعی عصر نزول آیه های قرآن را نازل می نمود؛ اما بنا به دلایلی روا نیست به این شیوه تفسیری روی آورد: نخست این که با این شیوه تفسیر، حکمت الهی در چیش آیات و سوره های قرآن که از آن به علم مناسبت بین آیات و سوره های قرآن یاد می شود، نادیده گرفته می شود و دیگر این که یک ترتیب متقن از سیر نزولی سوره های قرآن، چه رسد به آیات آن، در دست نیست و مکی یا مدنی بودن سور و آیات نیز به همین صورت است: جمعی از سوره های قرآن کریم یکباره نازل نشده؛ بلکه آیاتی یا بخش اعظمی از آن زمانی و بقیه در زمانی دیگر نازل شده است و گاه بخشی از یک سوره مکی و بخشی دیگر از آن مدنی است. واژگان کلیدی: تفسیر بر مبنای ترتیب نزول، ترتیب نزول قرآن، علم مناسبت بین آیات و سوره های قرآن، مکی، مدنی.

۱. مقدمه

در قرن چهاردهم هجری و اوایل قرن جاری، تنی چند از پژوهشگران قرآنی به تفسیر به ترتیب نزول روی آوردند؛ با در نظر داشتن این واقعیت که آیات قرآن کریم بنا به شرایط عصر نزول به تدریج نازل شده اند و این نوع از نزول مبتنی بر حکمت الهی بوده است و حاوی ارشاداتی بس ارجمند در شیوه های تربیتی قرآن است.

۱. استاد یار دانشگاه شهید باهنر کرمان / عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

farshchian@mail.uk.ac.ir

مقاله حاضر در صدد است تا نشان دهد، به دلایلی روا نیست به این نوع تفسیر اقبال کرد: نخست این که هنوز نمی توان به تمام آنچه در باره ترتیب سوره ها و آیات یا مکی و مدنی آنها گفته شده است، اعتماد قطعی و یقینی حاصل کرد؛ چرا که آراء و دیدگاه های گوناگونی در این خصوص وجود دارد و آیه های قرآن کریم و حتی سوره های آن، بنا به حکمت الهی به شیوه ای ویژه که به باور بسیاری از دانشمندان اسلامی توفیقی است، مرتب شده است. مفسران بر پایه این حکمت در تفاسیر به سیاق آیات استناد می کنند و در کتاب های علوم قرآنی از مناسبت های بین سور و آیات سخن به میان می آوردند.

در این مقاله نخست سه نمونه از این تفاسیر به اختصار معرفی و سپس به نقد این شیوه پرداخته می شود. البته ناگفته نماند که هرگز نویسنده در مقام کم جلوه دادن این تفاسیر نیست؛ بلکه تنها نگاهی همراه با نقد به این روش تفسیری دارد.

۲. معرفی سه تفسیر به ترتیب نزول

اینک سه تفسیر به ترتیب نزول که دو تا از آنها به نویسندگان عرب و یکی از آنها به یک نویسنده ایرانی است، به اختصار معرفی می شود.

۲. ۱. تفسیر بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول

این تفسیر، نگاشته عبد القادر ملا حویش آل غازی به سال ۱۳۵۵ هجری قمری است. ملا حویش به سال ۱۳۹۹ هـ.ق، دیده از دنیا بر بست (أباضه، ۲۴۷؛ ایازی، ۵۳). مفسر در مقدمه خویش یاد آور می شود که ترتیب آیات و سور قرآن توفیقی است (ملا حویش، ۴/۱، ۲۵، ۳۰، ۳۲) و هنگامی که صحابه برای نگارش آن به مشورت پرداختند، امام علی (کرم الله وجهه) خواست تا آن را بر مبنای نزول مرتب سازد و این اقدام نه از جهت مخالفت با ترتیب توفیقی بود، بلکه بدان جهت بود که ایشان خواست در همان آغاز کار مردم را به تاریخ نزول، مکان، زمان و کیفیت انزال قرآن و اسباب تنزیلش، و وقائع و حوادث آن، مقدم و مؤخر، عام و خاص، مطلق و مقید، و آنچه ناسخ و منسوخ نامیده می شود، آگاه سازد؛ لذا مصحف ایشان بر اساس نزول نگاشته

شده بود، (ملا حویش، ۳/۱-۴). وی در ادامه به فوائد تفسیر بر مبنای نزول اشاره دارد و متذکر می‌گردد که تاکنون کسی بر اساس آنچه امام(ع) راهنمایی کرده، به تفسیر قرآن نپرداخته است (همان، ۴/۱ و نک ایازی، ۵۳-۵۴)؛ بنا براین ویژگی مهم این تفسیر ارائه پیام قرآن بر اساس نزول قرآن کریم است.

به باور او، نگارش تفسیر بر اساس ترتیب مصحف مستلزم بیان اسباب نزول به صورت مکرر در مکرر می‌گردد و نتیجه آن حجم بالای این تفاسیر است و اختلاف در اسباب النزول نیز پدیدار می‌گردد؛ اما اگر تفسیری بر وفق نزول سامان یابد، از این تکرار و اختلاف به دور است و می‌تواند لذت فهم قرآن را با بیانی ساده برای خواننده به ارمغان آورد. افزون بر این، نگارش تفسیر بر این روش با مانعی شرعی رو به رو نیست (ملا حویش، ۴/۱).

اما بیان نامبرده خالی از اشکال نیست. آنچه که او در باره ترتیب مصحف امام علی(ع) اظهار کرده، مطابق با نظر مشهور است؛ اما به باور برخی اسنادی معتبر بر پذیرش این دیدگاه وجود ندارد و بر این نظر نقدی جدی وارد است (مهدوی راد، آفاق تفسیر، ۱۰۳-۹۸؛ فرشچیان، ۸۳-۷۹)؛ بنا براین نمی‌توان به صراحت از ترتیب مصحف امام(ع) بر اساس ترتیب نزول قرآن سخن گفت و آنچه را مسلم نیست مبنای کار خویش قرار داد.

ایشان در تفسیر خویش تنها ترتیب سوره‌ها را بر اساس نزول گرد آورده و این در حالی است که آیات هر سوره نیز به یکباره نازل نشده‌اند؛ بنا بر این طبیعی است که باز هم تکرار در اسباب النزول پیش آید. توضیح این که اگر فرض کنیم، بخشی از یک سوره با بخشی از سوره‌ای دیگر به یک سبب نازل شوند، باز مفسر ناچار است، سبب نزول را تکرار کند. گفته نویسنده زمانی مقبول است که این فرض کاملاً متفی باشد و اتحاد سبب در اجزاء سور مختلف وجود نداشته باشد.

به علاوه نمی‌توان دلیل اختلاف در اسباب النزول را به آنچه نویسنده گفته است منحصر کرد؛ زیرا اختلاف، دلایل دیگری نیز همانند اختلاف در منابع نقل و کیفیت ارزیابی آنها دارد.

این تفسیر با سوره علق آغاز شده است و با سوره های مائده، توبه و نصر به پایان می رسد. این ترتیب دقیقاً همان است که به «ترتیب مصحف الازهر» شناخته می شود. ملا حویث در ضمن تفسیر این سوره تمامی آیات هر سوره را تفسیر می نماید. این در صورتی است که همه آیات هر سوره به یکباره نازل نشده اند و برای مثال پنج آیه اول سوره علق، نخست و پس از نزول آیاتی چند، بقیه آیات این سوره نازل شده است. بیان المعانی نخستین تفسیری است که تمامی سوره ها و آیات قرآن را بر اساس تاریخ نزول مورد بررسی قرار داده است (نک: انصاری، ۶۷۹). این کتاب شش مجلدی در بر دارنده سه بخش است که دو بخش نخست (چهار مجلد اول) به آیات مکی و واپسین بخش (دو مجلد آخر) به آیات مدنی اختصاص دارد. بیان المعانی در سال ۱۳۸۲ هجری قمری در دمشق به وسیله مطبعة الترقی به چاپ رسیده است.

۲.۲. معرفی التفسیر الحدیث، السور مرتبة حسب النزول

این تفسیر نگاشته شده به سال ۱۳۸۰ هجری قمری، از سوی مورخ و پژوهشگری فلسطینی به نام محمد عزة دروزة (م ۱۴۰۴ق) است. او آن را در ۱۰ جلد^۱ به رشته تحریر در آورده است^۲. دروزه بیش از پنجاه جلد کتاب در موضوعات تاریخی، تربیتی، سیاسی و جز آن تألیف کرده است (أباطه، ۳۸۹؛ ایازی، ۱۷۹).

التفسیر الحدیث با هدف سیر مراحل نزول قرآن کریم و درک مناسب تر مفاهیم قرآن کریم و حکمت تنزیل تدریجی این کتاب آسمانی بر اساس ترتیب نزول سوره ها به نگارش در آمده است. نویسنده در بیان هدف خویش از اتخاذ چنین شیوه تفسیری بیان می دارد: با این روش تفسیری می توان همراه با زمان سیره نبوی را دنبال کرد و به شکلی روشن تر و دقیق تر دفعات و مراحل نزول قرآن را پی گرفت و به این وسیله

۱. در اتمام الاعلام و شناخت نامه ۱۲ جلد آمده است؛ ولی نسخه چاپی ۱۰ جلدی است که جلد آخر فهرست می باشد.

۲. برخی احتمال داده اند که این کتاب همان «مفتاح الفرقان فی ترتیب سور القرآن» اثر میرزا باقر یواناتی باشد.

خواننده در فضای نزول قرآن و مناسبت‌ها و مفاهیم آن قرار می‌گیرد و حکمت تنزیل تدریجی قرآن برای او آشکار می‌شود (دروزه، ۹/۱ و ۱۳ و ۱۲۵). التفسیر الحدیث با فاتحة الكتاب آغاز شده و به سوره نصر پایان پذیرفته است.

دروزه با این پرسش رو به رو است که آیا روش تفسیری او قداست قرآن را خدشه‌دار می‌کند یا نه؟ وی پاسخ می‌دهد که تفسیر، مصحفی برای تلاوت نیست و کاری علمی و فنی به شمار می‌آید و تفسیر هر سوره می‌تواند به طور مستقل ارائه شود و پیشینیان نیز به تفسیر یک سوره تنها یا چند سوره قرآن با هم اقدام نموده‌اند. از علی(ع) نیز رسیده است که مصحفی بر وفق نزول قرآن سامان داد؛ به خصوص این که ما در این جهت نیتی جز خدمت به قرآن نداریم (همو، ۹/۱-۱۰). البته دروزه در جایی دیگر از مقدمه تفسیر خویش به طور جدی به روایت مصحف علی(ع) و مخالفت آن با ترتیب مصحف به دیده شک می‌نگردد (همان، ۹۸/۱).

نویسنده تلاش کرده است تا «از مجموع ارتباط میان سوره‌ها و آیات و اهتمام به سیاق زمان نزول آیه را مشخص کند» و پیوند سوره پیشین با سوره بعدی را مورد توجه قرار می‌دهد تا نشان دهد که آیا این سوره می‌تواند بعد از آن سوره نازل شده باشد یا خیر؟ (ایازی، ۱۸۰-۱۷۹؛ و در باره این تفسیر نیز نک: انصاری، ۶۷۹).

دروزه نخست ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم را بر اساس توضیحاتی که در ابتدای سوره‌های «مصحف الازهر» کتابت شده است، می‌آورد (۱۵/۱-۱۶) و سپس ترجیح می‌دهد که تفسیر را با «فاتحة الكتاب» آغاز کند و سوره‌های زلزله، انسان، الرحمن، رعد و حج را که در ترتیب مورد اعتماد وی مدنی می‌باشند در زمره سوره‌های مکی تفسیر کند وی در پایان سور مکی پس از سوره مطففین به ترتیب رعد، حج، الرحمن، انسان و زلزله را تفسیر کرده است (همان، ۱۷/۱-۲۰).

نویسنده بنا بر ترجیح خود ترتیبی متفاوت از سوره‌های مدنی ارائه کرده است بین این ترتیب با ترتیبی که در مصحف مورد اعتماد وی بوده است، تفاوت‌هایی دیده می‌شود: ۱- البقرة، ۲- الأنفال، ۳- آل عمران، ۴- الحشر، ۵- الجمعة، ۶- الأحزاب، ۷- النساء، ۸- محمد، ۹- الطلاق، ۱۰- البینة، ۱۱- النور، ۱۲- المنافقون، ۱۳- المجادلة،

۱۴- حجات، ۱۵- التحريم، ۱۶- التغابن، ۱۷- الصف، ۱۸- الفتح، ۱۹- المائدة، ۲۰- الممتحنة، ۲۱- الحديد، ۲۲- التوبة، ۲۳- النصر (همان، ۲۰/۱).

در التفسير الحديث همه آیات یک سوره با هم تفسير شده است. نویسنده خود واقف بوده است که اگر بخواهد تفسیری بر وفق نزول بنویسد، بایستی این ترتیب را درباره آیه‌ها نیز اعمال کند؛ ولی به دلیل آن که ترتیبی مستند و دقیق از ترتیب آیات در اختیار نداشته، ترتیب را تنها در باره سوره‌ها مد نظر قرار داده است (همان، ۱۹/۱). برای نمونه او سوره حج را به دلیل این که بیش تر مباحث آن مکی است، در زمره سور مکی تفسير کرده با این که احتمال مدنی بودن بخش هایی از آن را داده است (همان ۲۰/۱). این تفسير در ده جلد در قاهره توسط دار احیاء الکتب العربیه در سال ۱۳۸۳ هجری قمری چاپ شده است.

دو تن از پژوهش گران عرب در باره او و تفسيرش دست به قلم برده اند: فرید مصطفی سلمان، «محمد عزة دروزة و تفسير القرآن الکریم» را نگاشته است و حسن سلوادی، «جهود محمد عزة دروزة فی تفسيره المسمى التفسير الحديث» را به نگارش در آورده است (أباطه، ۳۸۹).

۲.۳. پا به پای وحی

این اثر نگاشته شاد روان مهندس مهدی بازرگان، ایشان پیش تر در کتاب «سیر تحول قرآن» تلاش نموده بود تا با محاسبات آماری به ترتیب نزول آیات و سوره های قرآن دست یابد.

در تفسير پا به پای وحی که با انگیزه تدبر در قرآن کریم همراه با نزول آیات نگارش شده است، تحقیقات پیشین که با تکمیل نیز همراه بوده است، مبنای کار قرار گرفته است، این تفسير ناتمام مانده و تنها تفسير آنچه از قرآن که در چهار سال اول نازل شده، به انجام رسیده و بخش نخست که مربوط به سال اول بوده است در تهران به سال ۱۳۷۴ هـ.ش، توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است (بازرگان، مهدی، پا به پای وحی، صص، ۳-۸؛ بازرگان، عبد العلی، ۴۱۰-۴۱۱؛ یازی، «تفسير پا به پای وحی»، ۶۸۰).

نویسنده، پس از مقدمه ای در معرفی کتاب، در شانزده گروه به بررسی آیات قرآن پرداخته است. نخستین گروه به ۵ آیه نخست سوره علق اختصاص دارد و گروه بعد به آیات اول تا هفتم سوره مدثر و به همین صورت تا گروه شانزدهم که در آن تمام سوره کورت مورد تفسیر قرار گرفته است. این تقسیم بندی نشان می دهد که مبنای ایشان در تفسیر، تمام یک سوره نیست؛ بلکه آنچه به باور او در بار وحی به مرور نازل شده است، می باشد؛ خواه تمام سوره باشد یا بخشی از آن.

مهندس بازرگان، نیز موافق نزول بودن مصحف امام علی(ع) را پذیرفته و آن را عاملی در اقدام خویش به تلاش در شناخت ترتیب نزول آیات و سور قرار داده است (سیر تحول قرآن، ۱۰).

۳. ترتیب نزول سوره ها و آیات قرآن کریم

اینک مناسب می نماید، درباره چگونگی ترتیب نزول آیات و سوره های قرآن توضیحاتی داده شود.

۳.۱. ترتیب نزول سوره ها

با توجه به روایاتی از امام علی(ع) و ابن عباس و تحقیقات اندیشمندان مسلمان و برخی از خاور شناسان، فهرست هایی در باره ترتیب نزولی سوره های قرآن کریم تنظیم شده است.

این درحالی است که فهرست ها و حتی روایت های علی(ع) همسان یکدیگر نیستند و اختلاف هایی با یکدیگر دارند. دکتر رامیار هفده فهرست را در جداولی یکجا گرد آورده است (ص، ۶۸۶-۶۹۹) و برخی دیگر از فهرست ها را در منابع دیگر می-توان یافت. برای نمونه شهرستانی در مقدمه مفاتیح الاسرار در جداولی پنج فهرست را آورده است که سه فهرست از آنها در تاریخ قرآن دکتر رامیار دیده نمی شود و یکی از این فهرست ها به امام صادق (ع) منتسب است (صص، ۱۷-۱۹).

از بین این ترتیب ها آنچه بیش تر مورد توجه قرار گرفته، تحقیقاتی است که توسط دانشمندان الأزهر انجام پذیرفته و در مصحفی در صدر هر سوره مکی و مدنی

بودن آن و این که این سوره پس از چه سوره ای نازل شده است، دیده می شود، (رامیار، ۶۶۲). این همان فهرستی است که مورد استناد نویسندگان بیان المعانی قرار گرفته و با اصلاحاتی، به ویژه در مورد سوره های مدنی، از سوی صاحب التفسیر الحدیث پذیرفته شده است.

دروزه، نویسنده التفسیر الحدیث، آگاه بوده است که در نگارش چنین تفسیری بایستی از ترتیب سوره های قرآن ترتیبی قابل قبول در دست داشت و با مشکلات در این خصوص آشناست و از این رو است که بحث از توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب سوره ها را مطرح می کند و به نظریات گوناگون در این بحث اشاره می نماید (همو، ۱۱/۱-۱۳). او چنین ادامه می دهد: حق این است که امکان دست یابی به ترتیبی صحیح از نزول تمامی سوره های قرآن کریم نیست و ترتیبی که مستند به اسناد قوی و محکم باشد، وجود ندارد و سخن گفتن از ترتیب سوره ها بر اساس نزول، سخنی توأم با گمان است؛ ولی نهایتاً نتیجه می گیرد که این سخنان به معنای غیر صحیح بودن تمامی روایات ترتیب نزول یا عدم اعتماد بر آنها نیست؛ چرا که سیاق، نظم و مضامین سوره های مکی می رساند که بیش تر آنها به یک باره یا به صورت فصولی ملحق به یکدیگر نازل شده، و سوره ای تازه فرود نمی آمده، مگر این که سوره پیشین به پایان رسیده بود و مضامین این سوره ها و سور مدنی نمایانگر این است که بسیاری از روایات ترتیب نزول صحیح بوده و یا نزدیک به صحت است و به هر حال این استناد به ترتیب نزول برای آنچه مد نظرمان بوده و راهی که آن را ترسیم نموده ایم، مفید است و به خصوص به دلیل این که می توان صورت های تنزیل قرآن را مرحله به مرحله دنبال کرد و به فضای این صورت ها آگاه شد؛ چرا که به فهم بهتر قرآن و حکمت تنزیل کمک کرده است (همان، ۱۳/۱ و ۱۲۵).

گفته دروزه نشان می دهد که این شیوه تفسیری بر یقینات مبتنا نیافته است و روایات مصحف امام (ع) و هم روایات ترتیب نزول قطعی و یقینی نیستند و حال جای این پرسش است که آیا نتیجه این مقدمات می تواند به فهم بهتر قرآن و حکمت تنزیل کمک کند؟

۲.۳. ترتیب نزول آیه ها

سخن در باره ترتیب آیات از ترتیب سوره ها نیز دشوار تر است. بی شک تمامی سوره قرآن کریم به یک باره نازل نشده و گاه بخش هایی از یک سوره پس از نزول آیاتی از سوره یا سوره های دیگر فرود آمده است. به راستی آیا می توان به ترتیبی در این خصوص دست یافت؟

دروزه، نویسنده التفسیر الحدیث، معتقد است که آیات سوره های قرآن پس از نزول بنا بر حکمت خداوند و رسولش سامان یافته اند و این ترتیب در مواردی، به خصوص در سوره های بلند مدنی، با ترتیب نزول از جهت تقدیم و تأخیر هماهنگ نیست؛ ولی از آنجا که مدرکی مطمئن در دست نیست، وی آیات هر سوره را به یکجا و پی در پی تفسیر کرده است. او متذکر می گردد که فحوای سوره های کوتاه مدنی نزول دفعی آنها را می رساند و بیش تر سوره های مکی نیز چنین است (همو، ۱۹/۱). این سخن به خوبی بیانگر این است که عملاً امکان نگارش تفسیری دقیق بر وفق نزول، به ویژه در سوره های بلند، وجود ندارد و بنابر این نمی توان دقیقاً به حکمت تنزیل که هدف اصلی مفسر است، پی برد.

اما تلاش مهندس بازرگان در «سیر تحول قرآن» این بوده است تا به ترتیب آیه ها نیز دست پیدا کند. ایشان با تکیه بر محاسبات آماری در صدد رسیدن به آن بوده و «پا به پای قرآن» را بر همان اساس تألیف کرده است. با این که سال ها از تألیف سیر تحول قرآن می گذرد، ولی این تحقیقات هنوز مورد استقبال جدی قرآن پژوهان قرار نگرفته است و به لحاظ عدم استناد به نقل که در این نمونه از پژوهش ها مبنا می باشد، شاید هرگز نتوان به تحقیقات ایشان به دیده یقینی نگریست. ایشان، خود در مقدمه کتاب می نویسند: «نه نویسنده ادعای دقت و صحت قاطع در استنتاج های ارائه شده را دارد و نه خوانندگان می توانند چنین انتظاری را داشته باشند» (همو، سیر تحول قرآن، ۸).

با ملاحظه این تعداد معتابه از فهرست ها و اختلاف بین آنها چگونه می توان به نتیجه ای قریب به یقین دست یافت تا بتوان بر اساس آن به تفسیر کتاب محکم الهی روی آورد. روشن است که این تلاش ها ما را به علم رهنمون نمی سازد و نهایتاً به گمان هایی دست می یابیم و گمان هم برای دستیابی به حقیقت کافی نیست.

در مکی و مدنی بودن آیات و سور قرآن نیز نمی توان به نظری قاطع دست یافت. دانشمندان علوم قرآنی به این نمونه اختلاف ها در ضمن بحث از مکی و مدنی اشاره کرده اند (برای نمونه نک: سیوطی، ۱/۳۴-۵۵)؛ بنا براین دقیقاً نمی توان آیات و سورهای مکی و مدنی را از هم باز شناخت و سپس بر اساس آن به تفسیر قرآن کریم اقدام کرد.

۴. توقیفی بودن ترتیب قرآن و حکمت الهی

بحث از ترتیب سوره های قرآن کریم در مصحف از جمله مباحث اختلافی بوده است. بیش تر اهل سنت ترتیب مصحف را به اجتهاد صحابه می دانند؛ اگر چه برخی نیز ترتیب همه سوره ها یا برخی از آنها را توقیفی می دانند (زرقانی، ۱/۲۴۹-۲۵۲).

جالب این است که نویسندگان بیان المعانی و التفسیر الحدیث هر دو معتقد به توقیفی بودن ترتیب سور مصحف اند (ملا حویش، ۱/۳؛ دروزه، ۶/۱۲۶). این اختلاف کما بیش در بین شیعه نیز دیده می شود (نک: عاملی، ۱/مقدمه، ۲۱؛ خویی، ۲۵۷) و نویسندگان «پا به پای قرآن» نیز معتقد به توقیفی نبودن ترتیب سوره ها و آیات است (بازرگان، سیر تحول قرآن، ۵).

اما بحث از توقیفی بودن آیه های قرآن کریم کمتر مورد اختلاف بوده تا حدی که بر آن ادعای اجماع شده است (نک: سیوطی، ۱/۱۸۹-۱۹۰؛ عاملی، ۴/۳۵۲).

از سویی دیگر بنا به گفته صاحب «التفسیر الحدیث» ترتیب سوره های قرآن به راهنمایی پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته و به ناچار از سر حکمتی بوده است؛ هر چند که از آن حکمت آگاه نباشیم (دروزه، ۶/۱۲۶) و این سخنی نیست که تنها گوینده آن، این نویسنده باشد. یکی از مباحثی که دانشمندان علوم قرآنی و مفسران به آن اهتمام داشته و به تفصیل از آن سخن گفته اند، بحث از مناسب بین آیات و سوره های قرآن کریم است (نک: زرکشی، ۳۵-۵۲؛ سیوطی، ۲/۹۷۶-۹۹۴).

علم مناسبات از ارتباط آیات قرآن با یکدیگر و از پیوند سوره های این کتاب آسمانی با هم سخن می گوید. از «ابن العربی» نقل است که ارتباط اجزاء آیات قرآن را با هم همانند اجزاء یک کلمه که دارای معانی مرتب و مبانی منظمی است، می

دانسته و آن را دانشی بزرگ خوانده است (سیوطی، الإیتقان، ۹۷۶/۲) و مفسران و دانشمندان علوم قرآنی به این دانش اهتمام داشته اند. امام فخر رازی از جمله آنان است. بنا به سخن او بیش تر لطائف قرآن در ترتیب ها و روابط نهفته است (همو، ۱۴۰/۱۰). وی در تفسیرش به این موضوع اهمیت می داده و از خصوصیات تفسیر کبیر، یاد کردن از مناسبات بین آیه ها و سوره های قرآن کریم است. این رویکرد در دیگر تفاسیر همانند تفسیر آلوسی قابل مشاهده است. زرکشی از استادش، ولی الدین دهلوی نقل کرده است که آیات قرآن بنا بر حوادث و رویدادها نازل شده و بر اساس حکمت مرتب و ثبت شده است (همو، ۳۷/۱ و نک: سیوطی، ۹۷۷/۲). بسیاری در خصوص این دانش دست به قلم برده و آثاری ارجمند از خود به یادگار گذاشته اند (نک: شرقاوی، ۲۳/۱). از جمله این آثار رساله ای مختصر از سیوطی با عنوان «تناسق الدرر فی تناسب السور» می باشد. وی در این نوشته به بیان ارتباط سوره های قرآن کریم می پردازد و از حکمت تقدیم و تأخیر آنها سخن می گوید. این کتاب به تحقیق عبد القادر احمد عطا به سال ۱۴۰۶ قمری در ۱۵۹ صفحه در بیروت منتشر شده است.

اینک جهت هر روشن شدن چه بیش تر بحث و نقش این علم در فهم قرآن کریم به چند مورد از این ارتباط بین سوره ها آن اشاره می شود. این نمونه ها نشان می دهد چگونه دو سوره که با فاصله از هم نازل شده اند، به چه صورت در ترتیب مصحف شریف بین آنها تناسب و هماهنگی وجود دارد:

الف. در آخر سوره یوسف (شماره ۱۲ در ترتیب مصحف و پنجاه و سومین سوره نازل شده)^۱ سخن از آیات آسمانی و زمینی است که مردم به آن بی اعتنا هستند: *وَكَايْنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ* (یوسف، ۱۰۵) و در ابتدای سوره رعد (شماره ۱۳ در ترتیب مصحف و نود و ششمین سوره نازل شده) از برافراشتن آسمانها به ستون های نادیدنی و تسخیر خورشید و ماه سخن به میان آمده است: *اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ*

۱. بنا به ترتیب مصحف الازهر

وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (الرعد، ۲)
(سیوطی، تناسق، ۹۵).

ب. در آیه آخر سوره نحل (شماره ۱۶ در ترتیب مصحف و هفتادمین سوره نازل شده)، به عبادت تا وقت مرگ امر شده است: *وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ* (الحجر، ۹۹) و در آغازین آیه سوره اسراء (شماره ۱۷ در ترتیب مصحف و پنجاهمین سوره نازل شده) از قیامت یاد شده است: *أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ* (النحل، ۱) (سیوطی، تناسق، ۹۷).

ج. در پایان سوره مبارکه واقعه (شماره ۵۶ در ترتیب مصحف و ششمین سوره نازل شده) امر به تسبیح خدای بزرگ شده است: *فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ* (الواقعه، ۹۶) و سوره حدید (شماره ۵۷ در ترتیب مصحف و نود و چهارمین سوره نازل شده) با تسبیح آغاز می‌شود: *سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* (الحدید، ۱) (قطان، ۹۸/۱).

د. در آیات پایانی سوره مبارکه فجر (شماره ۸۹ در ترتیب مصحف و دهمین سوره نازل شده) از مذمت دوستداران مال و آنها که به مسکینان توجه ندارند سخن به میان آمده است: *وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ...* (الفجر، ۱۸) و در سوره بلد (شماره ۹۰ در ترتیب مصحف و سی و پنجمین سوره نازل شده) از ویژگی های پسندیده توانگران یاد شده است، همانند اطعام در روز گرسنگی و یاد از یتیم که درست در مقابل خصال نکوهیده ای است که از آنها در سوره فجر یاد شده است (سیوطی، تناسق، ۱۳۷).

ه. دو سوره فیل و قریش دارای ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگرند. در سوره فیل (شماره ۱۰۵ در ترتیب مصحف و نوزدهمین سوره نازل شده) بحث از نابودی اصحاب فیل آمده و سوره قریش با جار و مجروری آغاز می‌شود که متعلق به سوره قریش است: *لِيلَافٍ قُرَيْشٍ* (قریش، ۱). این مناسبت زمانی زیباتر جلوه می‌کند که بدانیم سوره قریش اگر چه در مصحف از پی سوره فیل آمده، ولی ده سوره دیگر بین این دو سوره نازل شده است، و به دلیل همین ارتباط ویژه است که برخی این دو سوره را یکی دانسته اند (نک: سیوطی، تناسق، ۱۴۴).

بحث از مناسبت مطلبی است که مورد تأکید برخی از مفسران ترتیب نزولی نیز هست. ملا حویث می‌نویسد: «جای بحث ندارد که ترتیب آیات و سور توقیفی

است... و در حضور رسول خدا سامان گرفته و هیچ یک از اصحاب در آن دخالتی نداشته اند... و حکمت این ترتیب را جز خدا و آن که قرآن بر او نازل شده است، نمی‌داند. به همین رو علماء از بحث درباره آن پرهیز کرده و تنها به برخی از مناسبات میان یک سوره و سوره بعدش اشاره کرده اند (همو، ۱۰۲/۱).

نویسنده این سطور نمی‌تواند تعجب خود را مخفی نماید و به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان به توقیفی بودن ترتیب آیات و یا حتی ترتیب سوره های قرآن کریم معتقد بود، ولی در مقام تفسیر، ترتیب مصحف شریف را رعایت نکرد، ملاحظه و دروزه آیات یک سوره را یکجا تفسیر می‌کنند؛ لذا از جهت رعایت نکردن پیوستگی آیات بر آنان نمی‌توان خرده گرفت، ولی در این نوع تفسیر مناسبت های بین سوره ها نادیده گرفته می‌شود. البته از این جهت نمی‌توان بر نویسنده «پا به پای وحی» خرده گرفت؛ چرا که ایشان به توقیفی بودن ترتیب مصحف قائل نیست؛ ولی چنین رویکردی مورد اعتنای بسیاری از دانشمندان مسلمان نیست.

نتایج

با در نظر گرفتن آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، چنین نتیجه گرفته می‌شود که رویکرد تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول، رویکردی نیست که بتواند مورد اهتمام جدی قرار گیرد؛ چرا که:

اولاً، این روش تفسیر با توجه به اختلاف بسیار در ترتیب نزولی سوره ها و نبود اطمینان به چگونگی ترتیب نزولی آیات عملاً امکان پذیر نیست؛ ثانیاً، از آن جهت که بسیاری از مسلمانان معتقد به توقیفی بودن ترتیب آیات و حتی ترتیب سوره هایند و ترتیب قرآن را به حکمت الهی می‌دانند، تفسیر بر مبنای ترتیب نزول نمی‌تواند نشان دهنده حکمت الهی در این باره باشد.

کتاب‌شناسی

- أباظه، نزار و المالح، محمد ریاض، اتمام الاعلام، بیروت، دار صادر، ۱۴۲۴ق
انصاری، مسعود، مقاله «تفسیر بیان المعانی»، دانشنامه قرآن، ۱، ۶۷۹، تهران، دوستان، ۱۳۸۱ش
همو، مقاله «التفسیر الحدیث»، دانشنامه قرآن، ۱، ۶۹۶، تهران، دوستان، ۱۳۸۱ش

ایازی، مقاله «تفسیر یا به پای وحی»، دانشنامه قرآن، ۱، ۶۸۱-۶۸۰، تهران، دوستان، ۱۳۸۱ش
 همو، شناخت نامه تفاسیر، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۸ش
 بازرگان، عبد‌العلی، مقاله «پا به پای وحی»، دانشنامه قرآن، ۱، ۴۱۱-۴۱۰، تهران، دوستان،
 ۱۳۸۱ش

بازرگان، مهدی، پا به پای وحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش
 همو، سیر تحول قرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، بی تا
 خوئی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دار الزهراء (س)، بیروت، ۱۴۰۱ق
 دروزة، محمد عزة، التفسیر الحدیث، القاهرة، دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ق
 رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲ش
 زرقانی، محمد عبد‌العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا
 زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۹۱ق
 سیوطی، عبد‌الرحمن بن أبی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، تقدیم و تعلیق: مصطفی دیب البغا،
 دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق

همو، تناسق الدرر فی تناسب السور، تحقیق عبد‌القادر احمد عطا، بیروت، دار الكتب العلمية،
 ۱۴۰۶ق

شرفاوی، أحمد، موقف الشوکانی فی تفسیره من المناسبات، سایت www.tafsir.net
 شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی،
 ۱۴۰۹ق

عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش
 فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا
 فرشچیان، رضا، امام علی (ع) و مبانی علوم قرآنی، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر،
 ۱۳۸۷ش

قطان، مناع، مباحث فی علوم القرآن، بی جا، مکتبه المعارف، ۱۴۲۱ق
 ملاحویش، عبدالقادر، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق
 مهدوی راد، محمد علی، آفاق تفسیر، تهران، هستی نما، ۱۳۸۲ش